

طلوع شهر	صفحه	تاریخ	روزنامه
	۵	۲۸	
	شماره	اسفند	
	۲۲۰۳	۱۳۹۶	
	سال	دوشنبه	
	بیست و سوم		

ضرب‌المثل‌های جهان

معماری تنها هنری است که می‌توان آن را بازتاب گستردهٔ

فرهنگ جامعه دانست.

حسن سلطان زاده

از کاخ تا شهر

مصاحبه‌ی پیرامون کاوش‌های باستان‌شناسی در محوطه تل آجری با علیرضا عسکری چاوردی سرپرست کاوش محوطه تل آجری

رقیه جوادى، اكبر حكيمى‌پور

تحولات باستان‌شناسی و معماری فارس را طی یک سال گذشته چگونه ارزیابی می‌کنید؟
اتكای باستان‌شناسی بر پژوهش است، به همین خاطر است كه در استان فارس برنامه‌ریزی‌های كلان پژوهشی در سه بعد بین‌المللی، ملی و استانی انجام می‌شود. در بعد استانی عمدتاً فعالیت‌ها به ثبت آثار و یا مطالعات میدانی مقدماتی محدود می‌شود كه در این مطالعات به ثبت تاریخی، عرصه‌ها و حرائم آثار باستانی عمدتاً پرداخته می‌شود. ولی در همین پیوند در حوزه‌ی استان با سازمان میراث فرهنگی پژوهش‌هایی معمولاً در سطح ملی انجام می‌شود. در سطح بین‌المللی اما عمدتاً يك پیوند با سازمان میراث فرهنگی در درون استان و سازمان میراث فرهنگی مركزی كشور و دانشگاه‌های داخلی و خارجی وجود دارد كه این‌ها معمولاً پژوهش‌های بین‌المللی هستند. البته باید توجه داشته باشید كه پایگاه‌های پژوهشی نیز در استان فارس فعال هستند. پایگاه پژوهشی پاسارگاد یعنی ثبت جهانی پاسارگاد یا پایگاه پژوهشی تخت جمشید و محور ساسانی فارس خودشان يك پتانسیل گسترده‌ای دارند؛ كه این پایگاه‌ها عمدتاً تلاش می‌كنند كه به‌عنوان مشاوران پژوهشی سازمان میراث فرهنگی، مطالعات باستان‌شناسی را پیش ببرند.

ازنظر كمی و ازنظر کیفی، بزرگ‌ترین پروژه‌ای كه سال گذشته داشتیم، پروژه‌ی مطالعات هخامنشی بوده كه پروژه‌ی اول، پروژه‌ای ده‌ساله هست و مربوط به كشف شهر پارسه است؛ كشفیات این حوزه منجر به شناسایی محوطه تل آجری در بخش جنوب غربی شهر پارسه گردید. پروژه‌ی دیگری نیز دریکی دو سال اخیر در پاسارگاد آغازشده كه رویكرد مطالعاتی باستان‌شناسی دارد. همچنین گمانه‌زنی‌هایی در سطح استانی فارس انجام‌شده است؛ اما به‌طور خاص اگر به مطالعه‌ای كه چند رشته‌ای است بپردازیم؛ باید به این اشاره كنیم كه دانشگاه شیراز و پژوهشگاه میراث فرهنگی و پژوهشكده‌ی باستان‌شناسی و معاونت میراث فرهنگی كشور با همکاری دانشگاه بولونیا در ایتالیا در این زمینه همکاری می‌كنند.

پروژه‌ای مربوط به شهر پارسه، در حدود هفت‌تا هشت سال است كه درحال انجام است و درحال حاضر دور دوم پنج‌ساله‌ی دوم آن طی می‌شود. هدف از این پروژه شناسایی شهر پارسه بوده است. طی چند سال گذشته یکی از دستاوردهای مهم این پروژه، شناسایی يك بنای ساختمانی بوده كه كاركرد آن بنا به كتیبه‌ها و اسناد باستان‌شناسی كه وجود دارد، دروازه تشخیص داده‌شده است. اهمیت این بنا اساساً به دلیل دروازه‌ی معروف آن است كه يك فرهنگ از بابل قدیم كه در بین‌النهرین وجود داشته و سالیان دراز پانخت تمدن‌های كهن جهان آن روز بوده است را به ما معرفی می‌كند. ولی اینکه چرا در شهر پارسه ایجادشده مهم است و به همین خاطر شاید یکی از كشفیات و دستاوردهای مهم باستان‌شناسی همین مجموعه‌ی پارسه باشد.

كاوش‌های باستان‌شناسی در محوطه تل آجری در سال گذشته از چه زمانی

سمیرا ناموراصل / كارشناس ارشد و پژوهشگر معماری

سفر بخش جدایی‌ناپذیر و لذت‌بخش زندگی بشر بوده، است و خواهد بود. زمانی كه صحبت از سفر می‌شود، صنعت توریسم خودنمایی می‌كند. در عصر حاضر این صنعت، یکی از بزرگ‌ترین صنعت‌های دنیا به‌حساب می‌آید كه بیش از ۵۰ نوع مختلف از آن در دنیا وجود دارد و نقش بسیار پررنگی در تمامی كشورها و شهرهای دنیا بازی می‌كند. یکی از كسب‌وكارهای كوچك اما پراهمیت، از زیرشاخه‌ی صنعت گردشگری، اكوتوریسم است كه از سال ۱۹۹۴ در دنیا و از سال ۱۳۹۱ به‌طور رسمی در ایران شروع به كار كرد.

خالی از لطف نیست كه در آغاز تعاریفی از اكوتوریسم آورده شود كه بتوان ملموس‌تر به این موضوع رسیدگی كرد.

لغت اكوتوریسم (Eco Tourism) كه فرهنگستان لغت با كمك سازمان میراث فرهنگی كشور آن را معادل طبیعت‌گردی معنا كرده است، ازنظر ریشه لغوی از دو جز «Eco» و «Tourism» ساخته‌شده است كه پیشوند «كو» برگرفته از ریشه‌ی یونانی به معنی آمیزه‌ی از مفاهیم محیط‌زیست و زیستگاه و «توریسم» به معنای گردشگری است، این مفهوم بیش از هر چیز طبیعت را تداعی می‌كند. در فارسی كلمه بوم را معادل اكو قرار داده‌اند و بنابراین به اكوتوریسم، بوم‌گردی نیز می‌گویند.

بر اساس اولین تعریف رسمی در سال ۲۰۰۲، اقامتگاه بومی یا اكولوژی امکانات اقامتگاهی گردشگری است كه به معیارهای زیر پابند است:

- حفاظت از محیط طبیعی و فرهنگی پیرامون
- ایجاد كمترین اثر بر محیط طبیعی اطراف اقامتگاه در هنگام ساخت آن
- استفاده از معماری و مصالح بومی و داشتن بافت فرهنگی و فیزیکی خاص با توجه به منظره و رنگ محیط
- استفاده از سیستم‌های آب‌رسانی پایدار و كاهش مصرف آب
- به‌كارگیری روش‌هایی برای بازیافت زباله‌ها بدون آسیب‌رسانی به محیط
- استفاده از انرژی‌های پایدار به روش‌های سنتی و به‌كارگیری انرژی‌های نو از وسایل



آغاز شد؟ چه حدسیات و فرضیاتی منجر به توجه به این منطقه گردید؟ و مساحتی كه موردبررسی و كاوش قرارگرفته چقدر است؟

محوطه‌ی باستانی كه دروازه‌ی معروف به دروازه‌ی بابل در آن شناسایی‌شده و دروازه پارسه نیز می‌توانیم آن را نام‌گذاری كنیم؛ كاوش‌هایی در سال گذشته در این محوطه انجام شد كه در ادامه‌ی كاوش‌های فصل گذشته بوده كه چند سال است ادامه دارد. كاوش‌ها به دلیل رعایت مسائل متعدد علمی در مقیاس خیلی محدود انجام می‌شود؛ یعنی به‌طور میانگین شاید چهل مترمربع هرساله كاوش می‌شود. ولی امروزه به خاطر رعایت شناسایی دقیق مواد و آثار باستان‌شناسی متعددی كه از این كاوش‌ها به دست می‌آید خیلی مهم است كه همه مواد موردمطالعه قرار بگیرد تا تاریخ‌گذاری‌ها دقیق شود. یکی از دلایل محدودیت در كاوش‌های باستان‌شناسی نسبت به گذشته رعایت همین مبانی علمی است كه ما در سال گذشته چهل مترمربع را كاوش كردیم.

آیا در كاوش‌های صورت گرفته در این محوطه آثار و وسایلی از زندگی تمدنی مردم آن دوره كه بیانگر فرهنگ و زیست اجتماعی آن‌ها باشد، به‌دست‌آمده است؟

دروازه ازنظر كاركردی يك بنای یادمانی بوده، یعنی يك ساختمان مسكونی نبود كه ما بتوانیم زندگی روزانه و یا نوع مواد غذایی و یا مصرفی آن‌ها را بتوانیم در آنجا تشخیص دهیم. این محوطهٔ بیشتر يك بنای یادمانی باشكوهی بوده كه اطلاعاتی كه می‌توانیم از آن داشته باشیم عمدتاً به شیوه‌های ساخت، معماری، تزیینات، هنر و سنبل‌ها و موتیف‌های مذهبی است كه به‌صورت تركیبی در این بنا به‌كاررفته و لذا این بنای مكشوفه‌ی اخیر اگر بخواهد موردمطالعه در بافت دوره‌ی هخامنشی قرار بگیرد به نظر می‌رسد كه باید در همان چارچوب و ساختار حكومتی هخامنشیان در چارچوب طبقه‌ی دیوانی هخامنشیان یعنی ارتباط كاركردی مركز فكری هخامنشیان موردمطالعه قرار بگیرد.

آیا مكان‌ها و فضاهای دیگر غیر از تل آجری جهت كاوش‌های باستان‌شناسی و حفاری شناسایی‌شده‌اند؟

برنامه‌ی مطالعات تخت جمشید، پروژه‌ای است كه هدف آن اساساً تحت عنوان «از كاخ تا شهر» است. از آنجاكه در تخت جمشید همه مطالعات تمرکز پیداكرده‌اند؛ لذا در بخش حاكم‌نشین و تختگاه شهر بیشتر توجه شده و در مقابل كمتر به پیرامون تختگاه تخت جمشید توجه شده كه یا فرصتی برای كاوش به وجود نیامده و یا به دلیل اهمیت بیش‌ازحد كاخ‌های بالا كمتر به بخش‌های پایین توجه شده است؛ اما هدف ما این بود كه بتوانیم از حریم تخت جمشید كه يك حریم بزرگ است، اطلاعات باستان‌شناسی بیشتری از آن بخش‌های پایینی به دست بیاوریم. به همین دلیل عنوان این برنامه «از كاخ تا شهر» نام گرفت. یکی این مسئله بود و دوم اینکه شهر هخامنشی برای ما مهم است؛ لذا تخت جمشید با توجه به آثاری كه پیرامون خودش دارد به معنا و مفهومی بیشتر در بازشناسی بافت شهری می‌رسد. البته متأسفانه

مدرن

- كار گروهی همراه با به‌كارگیری جامعه محلی
- ارائه كارگاه‌ها و برنامه‌های آموزشی ویژه كاركنان، گردشگران و مالكان درباره چگونگی حفاظت و برخورد با محیط طبیعی و طبق آخرین تعریف ارائه‌شده توسط جامعه بین‌المللی اكوتوریسم (The International Ecotourism Society): (TIES)
- سال ۲۰۱۵ بوم‌گردی یا اكوتوریسم «سفری است مسئولانه به جاذبه‌های طبیعی برای لذت بردن، ادراك و قدر طبیعت را دانستن (و همراهی كردن با ویژگی‌های فرهنگی متعلق به گذشته و حال حاضر) به‌طوری‌كه حافظ زیست‌بوم بوده، سبب پایداری کیفیت زندگی مردم منطقه شده، شامل آموزش بوده و در آن گردشگر در فعالیت‌های سودآور اجتماعی-اقتصادی مردم محلی مشاركت داشته باشد».

اقامتگاه‌های بوم‌گردی در سه گونه اكولوژ، اكوكمپ و اكوهتل (هتل‌های سنتی) است كه هویتی بومی دارند و به سه درجه، درجه‌يك، درجه‌دو، درجه سه دسته‌بندی می‌شوند. مبناى درجه‌بندی آن‌ها، بر اساس امتیازهای كسب شده در ارزیابی توسط كارشناسان است. فرآیند امتیازدهی به این صورت است كه ۳۰ درصد از كل امتیازات مربوط به ساختمان، تجهیزات و خدمات، ۳۰ درصد مربوط به نیروی انسانی و ایمنی و بهداشت و ۴۰ درصد از كل امتیازات مربوط به پایداری و رعایت اصول زیست‌محیطی و ابعاد فرهنگی است.

اقامتگاه‌های بوم‌گردی حكم مسكن موقتی را برای مسافرانی دارند كه علاوه بر سفر علاقه به شناخت و لمس هر چه بیشتر فرهنگ، آداب‌ورسوم و تاریخ آن منطقه و مردمانش را نیز دارند. این اقامتگاه‌ها برخلاف هتل‌ها كه هم همگی دارای معیار و استانداردهای خاصی می‌باشند، از ویژگی‌های خاص منطقه‌ای و محیطی خود پیروی می‌كنند كه عمدتاً خانه‌های قدیمی هستند كه با بازسازی مطلوب، مناسب و قابل‌قبول برای مهمانان، دوباره مورداستفاده قرار گرفته‌اند.

در اصل می‌توان گفت اقامتگاه‌ها یا خانه‌های بوم‌گردی، می‌توانند يك شغل كوچك خانوادگی به‌حساب بیایند كه تك‌تك افراد خانواده در آن نقش مؤثری دارند و علاوه بر اقامت مسافران فعالیت‌های دیگری شامل ارائه غذا و نوشیدنی بومی، ساخت، آموزش و فروش صنایع‌دستی محلی، اجرای نمایش و موسیقی سنتی، برگزاری رویدادهای بومی، انجام می‌پذیرد

فضای داخلی اقامتگاه، با پیروی از سبك معماری آن منطقه، استفاده از مصالح و صنایع‌دستی بومی، خود يك اكوموزه به‌حساب می‌آید كه از دیگر جاذبه‌های گردشگری اكوتوریسم است.

اقامتگاه‌های بوم‌گردی می‌توانند به‌عنوان موتور محرکی برای پیشبرد صنعت گردشگری ایران به كار گرفته شوند. توجه به اصول و قوانین اكوتوریسم و همچنین ایجادعلاقه‌مندی به طبیعت و حفظ محیط پیرامونی، باعث تداوم و بقای گنجینه‌ها و میراث طبیعی و انسانی خواهد شد و توسعه پایدار را در پی خواهد داشت. ایران به دلیل دارا بودن تنوع اقلیمی بی‌نظیری كه آن را كشور چهارفصل می‌خوانند، ازنظر اكوتوریسم از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. علاوه بر جنگل‌های سرسبز، كوریر دل‌فریب، طبیعت كوهستانی و برفی و ساحل مرجانی كه همگی از جاذبه‌های طبیعی ایران به‌حساب می‌آید، معماری و آداب رسوم متنوع از شمال تا جنوب، از شرق تا غرب از دیگر نقاط مثبت جذب توریست است.

ارزش اكوتوریسم در ایجاد آموزش و آگاهی فرهنگی دوجانبه، هم گردشگر و هم میزبان، است. گردشگران بافرهنگ و نوع زندگی مردم منطقه از نزدیک آشنا می‌شوند و در فعالیت‌های روزمره آنان مشاركت می‌كنند و میزبان آموزش می‌بینند كه چگونه يك اقامتگاه بوم‌گردی را اداره كند به‌علاوه در این تعامل بافرهنگ‌های مختلف دیگری



بخشی از این آثار طی چند قرن گذشته از بین رفته است.

ما هدفمان این بود كه این آثار پیرامونی را هم برای حفظ حریم و هم كمك به مطالعات باستان‌شناسی شهر پارسه شناسایی كنیم. می‌دانیم كه شهر پارسه واقعاً وجود داشته ولی يك شهری پردیس مانند بوده كه بیشتر كشاورزی و باغات داشته كه ویلاها و خانه‌های مسكونی در بین آن‌ها ساخته می‌شدند و این سنت بعدها نیز تداوم پیدا می‌كند. همان‌طور كه در شهری مثل شهر شیراز كه شهری باغ شهری بوده، مردم با درخت و پردیس زیاد ارتباط داشتند. شهر پارسه به دلیل ابعاد حكومتی و قدرت پادشاهان متمرکز نبوده، سیستم شهر باز بوده، به‌جز بخش تختگاه كه باروی بزرگی داشته و آن‌هم به دلیل آثار ارزشمندی كه در آنجا وجود داشته است. پارسه شهری است كه سیستم باغ شهر بزرگ داشت؛ به‌عبارت‌دیگر يك پردیس بوده كه ساختمان‌های بزرگ حكومتی در آنجا قرار داشته‌اند. به همین خاطر حال ما می‌خواهیم ارتباط بین این ساختمان‌های بزرگی كه در گوشه و كنار شهر پارسه هست را شناسایی كنیم. عجیب است كه یکی از این ساختمان‌ها كاملاً مربوط به بابلی‌ها است. می‌دانید كه مادها، ایلامی‌ها بابلی‌ها و پارس‌ها در حكومت هخامنشیان حضور داشتند كه سرآمد آن‌ها پارس‌ها بودند. ولی بابل و ماد و ایلام هم در تخت جمشید حضور جدی داشتند و همه‌ی كتیبه‌ها تقریباً سه زبانه هستند. (پارسی، ایلامی و بابلی) كه فلسفه خاصی پشت آن است كه در جای خود به آن پرداخته می‌شود. ولی آن چیزی كه برای ما اهمیت دارد این است كه خیلی كمك می‌كند به اینکه علاوه بر آن بنای دروازه‌ای كه در آنجا قرار دارد ما باید به دنبال آثاری پیرامون آن باشیم و ببینیم چطور می‌توانیم معنا و مفهوم شهر پارسه را پیدا كنیم. هر گوشه از شهر پارسه معنا و مفهوم خاص خود را دارد؛ هم ازنظر دوره و هم ازنظر ارائه‌ی فرهنگ. به همین دلیل ما فكر می‌كردیم كه شهر پارسه يك واحدی باشد كه در پیوند مستقیم با تخت جمشید است و همان تنوعی كه در تخت جمشید است گویا در پارسه هم ازنظر شكل‌های مختلف به‌كاررفته است.



نیز آشنایی پیدا می‌كند. اكوتوریسم سبب دوستی فرهنگ‌ها و جوامع مختلف می‌شود. ایجاد اقامتگاه‌های بوم‌گردی همراه با فعالیت‌ها و خدماتی كه برای شناخت و معرفی بوم انجام می‌شود، در مناطق روستایی، بكر طبیعی یا بافت‌های تاریخی سبب می‌شود كه نه‌تنها از مهاجرت جلوگیری شود؛ بلكه باعث مهاجرت معكوس نیز می‌گردد، یعنی به‌جای مهاجرت از بافت تاریخی به سایر مناطق شهری یا از روستا به شهر، ساكنین آن مناطق به روستاها و بافت‌های تاریخی نقل‌مكان می‌كنند؛ و این موضوع مبارکی است كه از مرگ روستاها و بافت تاریخی شهرها جلوگیری می‌شود.

چراكه با ایجاد شغل و منبع درآمد دیگر مردم آن مناطق دغدغه‌ی خروج از آن‌ها را نخواهند داشت علاوه بر این‌يك سری اقامتگاه‌هایی برای توریست‌ها شكل گرفته است كه می‌توانند با هزینه‌های قابل‌تحملی در فضایی آرامش‌بخش به استراحت بپردازند. در كنار به وجود آمدن خانه‌ها و اقامتگاه‌های بوم‌گردی در سرتاسر ایران باید به این نكته هم توجه شود كه کیفیت در ایجاد چنین محیط‌ها حرف اول را می‌زند و کیفیت نباید قربانی كمیت شود، چراكه مسلماً اقامتگاه بوم‌گردی بدون کیفیت لازم و واجب نه‌تنها تأثیری مثبتی در صنعت گردشگری ایران نخواهد داشت؛ بلكه می‌تواند نتیجه عكس هم داشته باشد.

شیراز، یکی از شهرهایی است كه از فرهنگ‌های ملموس و ناملموس بسیاری برخوردار است، وجود بافت تاریخی و خانه‌های تاریخی بسیار باارزش خود نشان‌دهنده پتانسیل مناسب برای تبدیل این شهر به یکی از قطب‌های گردشگری ایران است. تا امروز خانه‌های تاریخی بسیاری در محله سنگ سیاه به خانه‌های بوم‌گردی تبدیل شده‌اند كه خود باعث شده است توریست‌ها داخلی و خارجی بسیاری به این منطقه باارزش تاریخی بالای شیراز رفت‌وآمد داشته باشند؛ اما متأسفانه این چند وقت اخیر شاهد تخریب خانه‌های بسیار باارزشی در اطراف حرم شاه‌چراغ هستیم كه هر كدام به‌تنهایی می‌توانستند جایگاه ویژه‌ای در پیشرفت هر چه بیشتر صنعت گردشگری شهر شیراز داشته باشند.

ای كاش قدر داشته‌های شهرمان را بیشتر بدانیم و علاوه بر كاشتن گل و گیاه برای

زیباسازی شهری، به فكر زیباسازی فرهنگ و تاریخ شیراز نیز باشیم و به‌جای حذف آن‌ها به این فكر شود كه چگونه می‌توان از این گنج‌های باارزش استفاده كرد. چراكه

اگر این گونه ادامه یابد شاید این بار این ما هستیم كه باید برای شیراز بخوانیم:
دل‌م از وحشت زندان سكندر بگیرف
رخت بر بندم و تا ملك سلیمان بروم